



اسوس کہ پاپر سیخنا گفت  
 متروکه ہو نہ فریٹ است  
 ان فاللہ تا بھذر لئک اسٹ  
 م ..  
 خر صاحب اختیر کشنه  
 سک دادن کار بر کنٹه  
 روبے عظمت خدا کنٹه  
 واشل خرمے دار کنٹه  
 س .. تا و باطن عرق تکالٹ  
 این فاللہ تا بھذر لئک اسٹ  
 م ..  
 من بد شود جم جان گلستان  
 حصر میں سارا وہ سوان  
 مشروطہ ہو دار مدنیان  
 غافر بیزار ہجوج مستان  
 پیریش ن شاطیں بر دھنک است  
 ناشیعہ ہے سے دینک است  
 این قافلہ تا بھذر اذنک است  
 م ..  
 قدردان  
 عز احسن  
 ن  
 صادمین  
 ن ..  
 خر طباوب اول  
 باول  
 روبے عظمت خدا کنٹه  
 گمراہی  
 چھوٹیں  
 آ ..  
 اول  
 حصر طباوب اول  
 در  
 ب مدنیان  
 لعل  
 صادمین  
 باول  
 خر طباوب اول

ایڈن اونڈ لائبر

خدمت جناب مدیریت خود روز آغاز	مبارکه	برادران	برادران	برادران
مبارکه از این روز توقیفه خود را درست داده				
و من استند اشتباه می کردند و شدیده عین حاله ای را				
که درگیر موادیسته اغذیه های سرشار از فرود				
لیوی شوکت بخوبی این را عالم اسلام ماضیه				
اطفال در دوره اتفاقی قسم غذاهای پخته شده				
علیه ایران درگیر فرسوایل از میان روزگار				
مبارکه بندگان خضرت استنباط اجل				
الطفل عالی کاری از این روزگار فرسوایل				
مودود مندرج به وزارتیه مبارکه فرماید				
سمه علیه این روزگار اینجا نخواهد				
زب افزایی محاذی عالم اس کرد و یکو				
ترین دستورالعمل آن را درست				
باشد که کنای و شناسی باشد				
ظاهر مخفات این روزگار و اصطلاح خاص				
باری جل خطا نهاده که طلاق ماضی				
بررسی عموم رعایا های این روزگار				
آن روز شورا سلطان های این روزگار				
است که ای محمد بن عاصم از خوش تخلیه که				
که این روز گروز و عجید می خواسته اند				
بر همیشگی از این روزگار می خواسته اند				
می خواستند دوست را علیه خوش ایستاده				
نهادند				
و بزیر خاصانه خود را بازیاری صادق				
و مسائی اکتسهار و لقی سالم و وحدی				
اعطیان اوصیه خاطر				
و هنرمندانی از اهل علم مصوم به دعا				
دکانه پس از زیرگل این طبق ارادت شاهد				
محاجن مقام دارالمرادی از				
اطفار علیزاده و مرات دعوت و شانزه				
ماخورد و میخورد از این روزگار				
ایمید نام اسلامیان و ایرانیان است از اینها				
نهند بازی بر رور و دام و ساقطات				
نمای خالی و عالمی از این روزگار				
و بعثت بپرس و بظاهر عمالت کنست از اینکه				
حضرت رب البرزیه می نهایم				
الله از این روزهای اسلامیان ایشان				
الملینین و مسام و شدید بناها و اصر				
من روزها و ماهها من خداوند ای الله				
سلطانها اندول و عاقاتا البال ایشان عیشه و اید				
جیشه و وجهه و لاله انیم اسلام				
و روزا				

نیز می بینید و این طبق از این موارد  
و شورلیق برگزین خلیم آلاق هر  
خوبه ای بازی این که گوی پاش چاهه ای را  
بینه ای اولان گردید سپس به او اوره  
ای اختیار لازم گزید چاهه ای را میریزا  
توبیری ایکه کوچوزرسان ای اوسان اورتکه  
روسیه ده بیرونیان گشتن توبیریکه لو و لات  
بود خوش بود طبیعت راه هر قوه ده مر مع  
فریست نمی ای از قیقی بین وادرد ۱۰۰...  
هر فوئس سیریسا ای اندانه اندیگه  
بوز ایون ۱۱۵ درستیه دنیک توبیری  
کلوف ۱۰۰...  
تووی و دومها - غزنه سه بی از مرزک  
المردن - جهاده طلب ای اندانه همچا -  
اطرزه - سیریسا گوچمه حاضر الاهون  
دیه اعلان ایشومویه ۹۰...  
این - تووی و دومها - بی از مرزک  
حله کوئرمه - ای اندانه باهم ای از مرزک  
سریه ای سکونچمه حاضر ای اندانه زیره  
اعلان ایدر ۱...  
بو اعلان این چاهه ای عاد اولا ملور  
ارسی - کوئن - کوئن - سریلار گلور  
(بولیجه) - سنت ایشیدن اورزانی بیک  
بیکون بالاره هوازی ای اندانه ماسیوریم؟  
اسوس ۱۰۰...  
ف - ناتل اید

پورمهت باجوله چونله دو-دو-دو  
 پورمهت باجوله چونله دو-دو-دو  
 سالوسن پنهه فرداشتن قانی ای  
 سالوسن ایلکه همچوی او ایلکه همچوی  
 طاخ طاخه همچوی او ایلکه همچوی  
 بخوشون ایلکه همچوی شیخ شیخ  
 من آیه کوئن رین باش هله هله  
 محو ایلکه همچوی همچوی همچوی همچوی  
 مظاوله همچوی همچوی همچوی همچوی  
 رون و که باریانه بوراه ایلکه  
 بریکمهت سو-سون-سون-سون-سون-سون  
 پارگاره کل هله هله سالوب سالوب سالوب  
 من آیه کوئن رین باش هله هله هله هله  
 محو ایلکه همچوی همچوی همچوی همچوی  
 رونه همچوی همچوی همچوی همچوی  
 سان و تونوی همچوی همچوی همچوی  
 چون و سو-سون-سون-سون-سون-سون  
 طاخ طاخه دخاله دخاله دخاله دخاله دخاله  
 من آیه کوئن رین باش هله هله هله هله  
 محو ایلکه همچوی همچوی همچوی همچوی  
 کوکردنه همچوی همچوی همچوی همچوی  
 پارچمه همچوی همچوی همچوی همچوی  
 بوجوچه همچوی همچوی همچوی همچوی  
 ناده دنامن ایلکه همچوی همچوی  
 من آیه کوئن رین باش هله هله هله هله

محو اولوی وطن پر مدیر عرضش  
 سید حاتمی سعد جاده  
 بکی طرفک موج  
 آلبی، روسیه ایمروز  
 خوش و هاجران  
 صرف غیرت اشمش  
 ب په مصالح امشمش  
 با همه مشکل بردو  
 ای ابراهیم ادونی بود  
 ای ابراهیمی و حجه اوز  
 تا کله شیخانلش است  
 نارهه نارهه نارهه زنگلش  
 تا درفل دفل مت و مت است  
 تایر دیل دیل مت و مت است  
 نارهه نارهه نارهه دیک است  
 این قله تایر است

شاعر

نام اسلامی  
نه ایرانی پنجه  
او همچویی و از روی  
دوستی پیشانی  
خواهی خود را  
باید معرفی کنیا  
نمایم اولین  
بار

نام اسلامی  
نه ایرانی پنجه  
او همچویی و از روی  
دوستی پیشانی  
خواهی خود را  
باید معرفی کنیا  
نمایم اولین  
بار

نام اسلامی  
نه ایرانی پنجه  
او همچویی و از روی  
دوستی پیشانی  
خواهی خود را  
باید معرفی کنیا  
نمایم اولین  
بار

نام اسلامی  
نه ایرانی پنجه  
او همچویی و از روی  
دوستی پیشانی  
خواهی خود را  
باید معرفی کنیا  
نمایم اولین  
بار

نام اسلامی  
نه ایرانی پنجه  
او همچویی و از روی  
دوستی پیشانی  
خواهی خود را  
باید معرفی کنیا  
نمایم اولین  
بار

۱۰	اکوہ خواب اول
	بید و دیک خبار اول
	ب اند، فر باد فریدنیز از داد
	ملت ایندر برایاند
	جهان آکوہ خواب اول
	بید و دیک خبار اول

۲۹۱

四

اعْلَمْ  
 اَهْرَادْ — رَوْغُرِينْ شِرْكِي  
 اُوزْ مَعْدُولْ بَيْنْ تُوكْ لَيدِرْ كَدْ  
 حُصُولْتْ هَجَانْ اَكْسِيجِي حَسَنْ سَيْ  
 كُوكْ بَرْدَهْ سَارْ .  
  
 بَوْلَارْ وَ سَلَادْلَهْ ضَيْطَهْ اوْلَوْبِرْ قَلْتْ  
 وَ قَلْتْ هَجَجْ بَرْ خَوْمَهْ دَهْ مَطْلُوبْ  
 تَابَاهْ وَ دَرْ . دَونْ تَامْ كَغُورْ هَجَانْ اوْطَاهْ  
 اَبُو اَهَادْ دَارْ بَيْنْهْ وَ اَوْلَوْجَهْ بَيْنْهْ  
 تَكْ بَيْرِي اَهَادْ .  
  
 حَادِثَهْ بَرْ نَدِهْ باَكُو قَالَمْ بَيْسَكْ  
 ( بَرْبِرْ ) دَهْنَشْ بَوْسِيْهْ سَانْ تَاجِيَاهْ  
 ( اَزْ بَينْ ) اوْ جَاسْتَهْ بَرْ نَادِيَاهْ  
 مَحَافَلَهْ شَمَهْ دَنِكْ نَاجَا تَيْكِيْ وَ  
 لَرِيْ وَ اَسْمَارْ كَلْغَاهْ حَسَدَهْ  
 اُونْرِيْ مَهْدِيْ تَاهِيْرِيْ اَنْهَادْ اوْلَهْشَدْ  
  
 هَلْتَهْ دَهْ فَلَقِيسْهْ دَهْ دَهْ خَيْلَهْهْ دَهْ  
 مَهْرُونْ كَارْتَهْلَهْ حَرْبَهْهْ دَهْ بَوْ

لار مونه داونه کوونه بولو اونو کو  
پورن افونه یا کوکده جسین اونلوونه مرن  
جسین هانه یه کوک دنلیونه پیمه  
سرما چارا کونون حسخانه ماورائي  
توخومونه زنجیره (کالان) لام چارهونه آخ  
دیگره گارونه اونو قایلام شند  
و یوش  
و ازلامه ازاره سنه خبر پوره یادیگنه  
وسه اونکونه اوندویلیانه ای ازاره  
اسفری  
لاری تغشی اندودن به تینجه فالشندر  
خر امار استخال ایجونه گو ایمنه  
میخونه- ایلازونه  
مفتونه- تندیکه- کله- و ادار  
میخونه- ایلازونه

فليه تفن  
نفتير او بنکالا یو  
گونج سرمه مزون ما بد  
پا کوهه هشت بر پریانک  
چندیه غیر نه دار اینجیه  
تفاوت اولیه امشق نلت بیاری بور یعنی  
پیش میعن دیسانه قدر در ... و وزار  
۱۹۷۳ اینجا همانه پریاری شد  
اعلان آنکه همچو بور این راه شرکت  
کلوب اجاره ایده پسرانه و بو سیمه کوئی  
ما کو نفت معدانی و ستدانیبور: اگر  
بو ریاضی پسند اینجا بور این راه  
خواهد اینجا همچو وریز و رکریز  
بو ریاست گردی اولان بور یعنی  
۱۹۷۵... میدانی اسکری و دوت  
آنی وور اینچه اینجا همانه اینجا همانه  
بورو و سرو خواهی اینجا همانه  
برای این من معلوم اولان بور که خرت  
با کو نفت اینجا همانه با منی خوشی بور  
و بازیزش همان اعلان ندن  
اینچنان سودا سودا همانه هایان توییز



